همدلی
www.hamdelidaily.ir
پنجشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۵ ■ سال دوم ■ شماره ۵۳۹
فرهنگ و هنر

تئاتر باران به ایتالیا می‌رود

ایلنا | پس از برگزاری موفق دوره اول، کمپانی تئاتر باران با مدیریت و همراهی کیومرث مرادی دومین ورک شاپ بین المللی بازیگری را در کشور ایتالیا در جشنواره بینافرهنگی و آزمایشگاهی تئاتر ایتالیا در سال ۱۳۹۶ با همکاری گروه تئاتر بین‌المللی یوتلچ (Teatro Polach) برگزار می‌کند. گروه بین‌المللی Teatro Polach بیش از چهل سال است که در دهکده‌ای تاریخی در نزدیکی شهر رم کار خود را آغاز کرده است. این مرکز در اروپا و ایتالیا مشهور است و هر سال بیش از ۱۰ کشور جهان را دعوت می کند تا در جشنواره شرکت کند.

در هر دوره از جشنواره کنار اجرای نمایش که هر بعدازظهر اتفاق می‌افتد این جشنواره پذیرای دانشجویان علاقه‌مند به بازیگری و کارگردانی از سراسر دنیا هستند و در طول جشنواره با دعوت از اساتید بزرگ تئاتر، ورک‌شاپ‌های بی نظیری را برگزار می‌کنند. این مرکز با توافق با کیومرث مرادی و کمپانی تئاتر باران امسال پذیرای تعدادی محدود از دانشجویان و بازیگران جوان ایرانی خواهد بود تا در این دوره از جشنواره در ورک‌شاپ‌های بین‌المللی شرکت کند.

نگاهی به هنر و زندگی چارلی پاپلین، هنرمند بی‌رقیب سینما

هنرمندی برای تمام فصول سینما

همدلی| گروه فرهنگ و تاریخ ـ روژا پیران ـ کمتر پیش می‌آید بازیگری در تاریخ سینما باشد که برای همه مردم چهره‌ای شناخته شده به‌شمار آید و هر فردی از هر سن و طبقه‌ای خاطراتی با او داشته باشد که برای همه عمر در خاطرش حک شده باشد. بی‌شک چارلی چاپلین معنای واقعی و تبلور ملموس چنین هنرمندی است. هنرمندی که آثارش را می‌توان همچون فرهنگی جهانی که دامنه نفوذش هیچ مرز و جغرافیایی نمی‌شناسد، به تحلیل نشست.

■ نماد بی‌بدیل یک سینماگر مولف

چهره غمزده و محزون چاپلین چنان به مثابه تصویری فرتاریخی در اذهان نشسته است که می‌توان او را نماد همه محرومان و تهیدستان تاریخ به‌حساب آورد. چه آن زمان که در قامت ولگردی تنها با کلاه و عصای معروفش دل به پسربچه‌ای فقیرتر از خود می‌بندد و چه آن وقت که در شمایل پیشوا ظاهر می‌شود و همه حرکات و رفتارهای او را به سخره می‌گیرد، چاپلین نماینده انسانیت و ارزش‌های بی‌زمان و مکان انسانی است. ارش‌هایی که در همه جای جهان و در هر فرهنگ و جامعه‌ای همدلی و همراهی فراموش‌شدگان تاریخ را برمی‌انگیزد.

او همچون هر هنرمندی در زمانه خود نادیده گرفته شد و همچون همه پیشقراولان هنر طعم تهدید و تبعید را چشید با این همه تاریخ نشان داد، هنرمندی که معرف مفهوم انسانیت است در گذر زمان روز به روز معرفت‌تر و شناخته‌شده‌تر خواهد شد. به موازارت غباری که بر نگاتیوهای سیاه و سفید آثار چاپلین می‌نشیند، تصویر او در ذهن مردم هرلحظه روشن‌تر و شفاف‌تر شده است. در زمانه‌ای که خشونت، نابرابری و فقر همچنان دردهای مزمن انسان معاصر است، بازبینی آثار او می‌توان مفاهیمی را از خاطرمان رفته، بار دیگر به‌یاد آورد. سوای این ارزش هنری کار او چیزی نیست که بتوان آن را نادیده انگاشت، کافی است نگاهی به تیتراژ اغلب آثارش بیندازیم تا نامش را در مقام نویسنده، کارگردان، بازیگر و آهنگساز ببینیم، بی‌تردید چارلز اسپنسر چاپلین نمونه بی‌بدیل یک هنرمند مولف است.

در مرور هنر چاپلین نگاهی انداختیم به زندگی و مسیری که او از تنگدستی و فلاکت تا قله‌های باشکوه سینما پیمود.

■ مصائب سال‌های تلخ کودکی

اواخر قرن نوزدهم، کودکی به دنیا آمد که اگرچه به دلیل زندگی کولی‌وار والدین‌اش، زمان و مکان مشخصی را برای تولدش نمی‌توان شناخت، اما به روشنی می‌توان اذعان کرد که تمامی تاریخ هنر از زمانی که «لومیر»ها سینماتوگراف را اختراع کردند، می‌تواند خانه و خاستگاه او باشد. چارلز اسپنسر چاپلین، در ۱۶ آوریل ۱۸۸۹ پا به این جهان گذاشت.

مادر چارلی «هنا» بازیگر و آوازه‌خوان هنرمندی بود، اما زمانی که چاپلین سه ساله بود هنا از همسر دائم‌الخمرش جدا شد و چارلی به همراه برادرش به مدرسه‌ای که پدرش تعیین کرده بود فرستاده شد. در یکی از اجراهای مادر چارلی بر روی صحنه در لندن، زمانی که به دلیل پرتاب جسم سختی از طرف تماشاگران، خون‌آلود و صدمه‌دیده صحنه را ترک می‌کند، چاپلین ۵ ساله به روی صحنه می‌آید تا تماشاگران را سرگرم کند. این اولین حضور چاپلین بر روی صحنه نمایش است. به هر ترتیب،

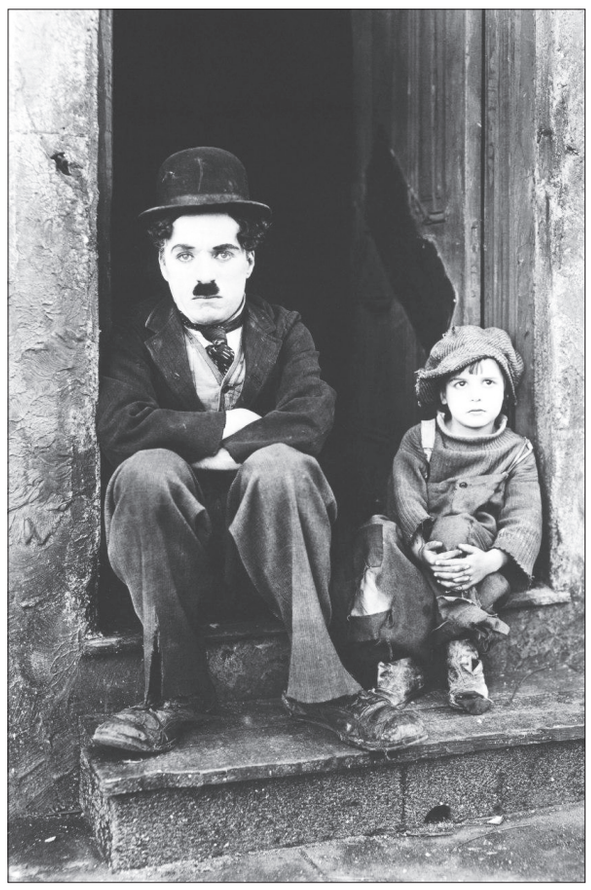

کودکی چارلی و برادرانش در سختی و فلاکت گذشت، به طوری که بعدها تأثیر بسیاری بر مضامین فیلم‌های او گذاشت.

چارلی چاپلین مهمترین و تاثیرگذارترین شاگرد «مک سنت» و فرزند یک نمایشگر تالارهای محلی موسیقی، کودکی خود را در صحنه‌های سرگرم‌کننده تفریحی گذرانده بود. تصویر او از جهان، همچون «چارلز دیکنز» با هرگونه فقر و تنگدستی دوران خردسالی و جوانی رنگ‌آمیزی شده بود و در نتیجه در طول عمرش، همدردی عمیق خود را نسبت به تنگدستان نشان می‌داد. در ۱۹۱۳، هنگامی که با دستمزد ۱۵۰ دلار در هفته، در کمپانی «کی استون» استخدام شد، یک بازیگر سیار نمایش‌های «وودویل» آمریکایی بود. در نخستین فیلمی که به نام «در تلاش برای معاش» (۱۹۱۴) برای مک سنت بازی کرد، نقش یک شیک‌پوش انگلیسی به او داده شد، اما با فیلم دومش، «مخمصه غریب مبیل» (۱۹۱۴)، کاراکتر و شکل ظاهری یک ولگرد کوچولو را معرفی کرد؛ کاراکتری که چاپلین را شهره آفاق ساخت و او را به یک نماد جهانی در عرصه سینما تبدیل کرد.

■ تولد شمایل سینمایی یک ولگرد

در سال ۱۹۱۴ با شرکت کی استون، چاپلین سه فیلم بازی کرد و به موفقیت‌های چشمگیری رسید. او در زندگی‌نامه‌اش چنین می‌نویسد: «من هیچ ایده‌ای درباره چهره‌پردازی و لباسم نداشتم. لباسی که در فیلم اول داشتم را دوست نداشتم. در راه لباس‌خانه، به این نتیجه رسیدم که شلوار بگی گشاد بپوشم و کفش‌های بزرگ و کلاهی خاص.. می‌خواستم همه چیز با هم در تضاد باشد؛ کتی تنگ، کلاهی کوچک و کفشی بزرگ. نمی‌دانستم باید پیر به نظر بیایم یا جوان؟ اما وقتی یاد حرف کارگردان افتادم که می‌خواست کمی بزرگتر از آنچه هستم به نظر بیایم، پس یک سبیل اضافه کردم. نمی‌دانستم چه شخصیتی باید داشته باشم، اما زمانی که لباس‌ها را پوشیدم، خودِ لباس‌ها احساسی به من داد که شخصیت را دیدم. آغاز به شناختن‌اش کردم و زمانی که به روی صحنه می‌رفتم، کاملاً متولد شده بود.»

از سوی کمپانی«فرست نشنال» به چاپلین پیشنهاد شد تا هشت فیلم به طور دلخواه برای این کمپانی بسازد. این معامله به او امکان داد تا برای خود استودیویی بنا کند و تمام فیلم‌هایش را تا سال ۱۹۵۲ در آنجا بسازد. موفق‌ترین اقدام چارلی در فرست نشنال، کارگردانی اولین فیلم بلندش «پسر بچه» در سال ۱۹۲۱ بود. این فیلم، ماجرای فرد بیکاری است که به پسر بچه‌ای از محله فقیرنشین دل می‌بندد. فیلم پسر بچه، غوغای زیادی در جهان به پا کرد و بیش از ۲٫۵ میلیون دلار نصیب تهیه‌کنندگان آن شد.

«جویندگان طلا» را چاپلین در ۱۹۲۵ ساخت که محبوبیت زیادی برایش به همراه داشت. در فیلم بعدی چاپلین، به نام «سیرک»، آن ولگرد کوچک به فکر دلقک‌شدن می‌افتاد. سیرک، فیلمی صامت با ساختاری زیبا بود که در جریان ناطق شدن سینما ساخته شد و در ۱۹۲۹، جایزه اسکار بهترین فیلمنامه، بازیگری، کارگردانی و بهترین فیلم (تهیه‌کنندگی) را کسب کرد.

■ عشق چارلی به انسانیت

ماندگارترین آثار چاپلین «عصر جدید» و «دیکتاتور بزرگ» است که هر دو اثری انتقادی به ترتیب در باب تسلط کار بر انسان و سیطره فاشیسم در اروپا بود. چاپلین در تمامی آثارش نگاه تیز و بُرنده خود به مسائل اجتماعی و انسانی را از دست نمی‌داد و تلاش داشت تا به‌وسیله فیلم‌هایش، مفاهیمی را گوشزد کند که در دوران سرد و سیاه اواسط قرن بیست، زیر آوارهای جنگ و فقر و کشتار از یاد رفته بود.

او قصد داشت عشق به انسان و انسانیت را در تک تک فریم‌های آثارش یادآوری کند. سرانجام این بازیگر بی‌بدیل در تاریخ سینما در دهکده کوچکی در سوییس که ۲۵ سال آخر عمرش را در آنجا گذرانیده بود درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. با مرگ چاپلین، تکه‌ای از نبوغ ناپدید شد.

Rozha.piran@gmail.com

عکسی که جهان را در بهت فروبرد

عکاسی از مرگ

ایسنا | برنده شدن عکس قاتل سفیر روسیه در ترکیه در یکی از معتبرترین مسابقه‌های عکاسی دنیا نشان داد که هنوز هم شجاعت و تصمیم‌گیری درست در لحظه، بیشترین موفقیت را برای عکاسان در پی دارد. عکسی که برهان اوزبیلیجی - عکاس ترک آسوشیتدپرس - از صحنه پس از ترور سفیر روسیه در ترکیه گرفت، به‌عنوان برنده جایزه امسال رقابت‌های «ورلد پرس فوتو» معرفی شد. این عکس زمانی ثبت شد که اسلحه هنوز در دست قاتلی است که قربانی‌اش را چند لحظه پیش با شلیک گلوله به قتل رسانده و حالا آن را در اوج هیجان در دست دارد و فریاد می‌زند، یعنی هنوز قاتل در صحنه است، نفس می‌کشد و زنده است. مردی که تا چند لحظه قبل از ترور با خونسردی تمام پشت سفیر ایستاده بود، در این صحنه، یک تروریست خطرناک است.

عکاس در این لحظه، یک عکس گرفته است، در لحظه بهت، ترس و حیرت. به‌خاطر عکاسی در همین شرایط است که ارزش این عکس بالاست. عکاس به سرنوشت‌ساز بودن عکاسی در آن لحظه واقف بوده و حالا مزد آن را گرفته است. اوزبیلیجی درباره آن روز گفته است: «از لحظه‌ای که صدای تیراندازی‌ها را شنیدم، می‌دانستم که این لحظه‌ای تاریخی است. آگاه بودم که به‌عنوان یک ژورنالیست نمی‌توانستم صرفا فرار کنم و خود را نجات دهم.»

این تقدیر و این بازدیدهای میلیونی از عکس او نشان می‌دهد که در دنیای امروز که همه یک دوربین همراه خود دارند و عکاسی می‌کنند، موفقیت و رضایت نصیب آن‌هایی می‌شود که در حساس‌ترین لحظه، تصویری را در قاب دوبین‌شان ثبت می‌کنند که ثبت آن شاید کار هر کسی نباشد. عکس برهان از این اتفاق تنها عکس ثبت‌شده در شرایط سخت نیست. در طول تاریخ عکس‌هایی توسط عکاسان به ثبت رسیده‌اند که امروز آن‌ها را با همان تک‌عکس‌شان می‌شناسند و با همان به شهرت رسیده‌اند، چون در شرایط سخت ثبت شده‌اند.

عکس جف وایدنر و ثبت رویارویی یک مرد با تانک‌ها در جریان اعتراضات سال ۱۹۸۹ دانشجویان در میدان تیان‌آن‌من چین از این نوع تصاویر است. او نیز در این‌باره گفته است: «اولین چیزی که به فکرم آمد این بود که از این مرد عکس بگیرم، ولی همزمان مثل بسیاری دیگر دچار شوک شده بودم. تصور می‌کردم که او را بلافاصله خواهند کشت، ولی این اتفاق نیفتاد. برای همین تصمیم گرفتم از لنز قوی‌تری استفاده کنم، چون از صحنه خیلی دور بودم. گرفتن این عکس برایم تجربه‌ای غیرقابل باور بود.»

رابرت کاپا، عکاس، فتوژورنالیست و یکی از مؤسسان آژانس بین‌المللی عکس «مگنوم» نیز در سال ۱۹۳۶ از لحظه کشته شدن یک سرباز در جنگ داخلی اسپانیا، عکسی گرفت که یکی از جنجالی‌ترین عکس‌های قرن بیستم است. عکسی که هم برای کاپا شهرت و آبرو خرید و هم به‌دلیل انتشار شایعه‌هایی مبنی بر ساختگی بودن عکس، او را در مظان اتهام قرار داد و بازتاب‌های مختلفی را درپی داشت.

همچنین عکس ادی آدامز، خبرنگار و عکاس آسوشیتدپرس و مجله تایم که سال ۱۹۶۸ از اعدام یک ویت‌کنگ در جنگ ویتنام گرفته شد، توانست بر روند این جنگ تاثیر بگذارد. این عکس برنده جایزه پولیتزر و جایزه ورلد پرس فوتو شد.

کریستف رضاعی:

فجر شفاف‌سازی کند

مهر | برنده سیمرغ بلورین بهترین آهنگسازی سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر با اشاره به تازه ترین فعالیت‌های موسیقایی خود درباره برخی حاشیه‌های اهدای جوایز این دوره از جشنواره سخن گفت. کریستف رضاعی آهنگساز و برنده سیمرغ بلورین بهترین آهنگسازی سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر برای ساخت موسیقی فیلم «نگار بیان کرد: «طبق برنامه‌ریزی‌هایی که انجام گرفته تصمیم دارم موسیقی فیلم «اژدها وارد می‌شود» مانی حقیقی را در قالب یک آلبوم منتشر کنم که با توجه به حساسیت‌ها و وسواسی که برای ارائه درست و دقیق این موسیقی دارم فعلا دو تا سه ماه کار لازم است که بتوانم به فضای مورد نظر دست پیدا کرده و نسبت به انتشار آن اقدام کنم.»

وی ادامه داد: «فضاهایی در نسخه سینمایی کار وجود دارد که برای ارائه آن در آلبوم باید یکسری بازنگری روی آن انجام گیرد که همین موضوع با توجه به فرآیندی که من برای چینش قطعات در نظر دارم نیازمند زمان بوده و لازم است با دقت بیشتری روی قطعات کار شود. به طور کلی امیدوارم برنامه‌ریزی‌ها به گونه‌ای باشد که ما تا سه ماه آینده بتوانیم آلبوم را در دسترس علاقه‌مندان قرار دهیم.»

رضاعی درباره اجرای زنده برخی از آثارش نیز توضیح داد: «خوشبختانه سال گذشته همراه با سایر دوستان هنرمندم کنسرتی را در فستیوال موسیقی تلفیقی تهران برگزار کردیم که این کنسرت با استقبال خوب مخاطبان مواجه شد، به همین جهت تصمیم دارم نظر به این اجرای موفق، اواسط اردیبهشت ماه در فرهنگسرای نیاوران تهران کنسرتی را با یک محتوای متفاوت برگزار کنم که اطلاعات دقیق‌تر این برنامه به محض قطعی شدن در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد.»

این آهنگساز و نوازنده با اشاره به حاشیه‌های اهدای جوایز سیمرغ سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر بیان کرد: «من به عنوان هنرمندی که سال‌هاست در عرصه آهنگسازی فیلم فعالیت می‌کند باید به این نکته اشاره کنم که این فضا حالا چه در شکل کم‌رنگ و چه در شکل پررنگ آن در همه ادوار جشنواره‌های فیلم فجر وجود داشته و ما به تناسب برگزاری هر دوره شاهد اعتراضات و انتقاداتی بوده‌ایم. این دوره هم از این قاعده مستثنی نبود و برخی از کارشناسان و منتقدان معتقد بودند که برخی از قضاوت‌ها و سلیقه‌هایی که در هیات داوران وجود داشت موجب ناراحتی‌هایی شده که باید درباره آن بررسی بیشتری صورت گیرد.»

رضاعی ادامه داد: به هر ترتیب اعضای هیات داوران بخش سودای سیمرغ سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر همگی از افراد توانا و متخصص حوزه سینما هستند، اما حالا اتفاقی افتاده و بنا به سلیقه‌ای که دوستان داشتند هنرمندانی به عنوان برگزیده این دوره از جشنواره انتخاب شدند. این موضوع هم طبیعی است که بحث سلیقه همیشه در قضاوت‌ها نقش اساسی دارد که باید به این مساله نیز توجه کرد. اما به نظر من وقتی چنین شرایطی ایجاد می شود باید ما شاهد عکس‌العمل نیز باشیم. زیرا وقتی در برابر این حجم وسیع اعتراض و انتقاد واکنش منطقی صورت نگیرد همین سکوت موجب ایجاد سوءتفاهماتی می‌شود.»

وی در پایان گفت: «ای کاش هیات محترم داوران زمان انتخاب برای هر یک از انتخاب‌هایی که داشتند در قالب یک اعلامیه هنگام اهدای سیمرغ‌ها مشروح توضیح می‌دادند.. در هنگام بروز چنین شرایطی شفاف‌سازی و توضیح درباره آنچه اتفاق افتاده می‌تواند راه برای برون‌رفت از یک بحران باشد.»

یادداشت

اصالت اثرها و نقش ابزارها

■ دکتر محمدعلی نویدی
■ نویسنده و مدرس دانشگاه

این بحث را با حکایتی از عارف واصل، جلال الدین مولوی محمد بلخی مولانا آغاز می‌کنیم: روزی موری بر کاغذی می‌رفت، نبشتن قلم را دید قلم را ستودن گرفت، موری دیگر که چشم تیزتر بود گفت، ستایش انگشتان را کن که این هنر از ایشان می‌بینم، موری دیگر که از هر دو چشم روشن‌تر بود گفت من بازو را ستایم که انگشتان فرع بازواند و موری دیگر...

ابزار "instrument " ادوات و اسباب و وسایل و وسایط و افزارها با زندگی سر و کار فراگیر و شامل دارد؛ ابزارها وسیله‌های زندگی انسان در تمام سطوح می‌باشند، یعنی از مرتبه زندگی روزانه تا سطح کلان و امور راهبردی و سرنوشت ساز. کافی است به اطراف و محیط زندگانی فردی و اجتماعی نظری بیفکنیم و وجود و اثر ابزارها را مشاهده و معاینه کنیم، از وسایل شستشو و بهداشت گرفته تا ابزارهای تغذیه و غذاخوری و تا امکان‌ها و ابزارهای پوشش و پوشیدگی و تا مسکن و مأواگزینی و تا فرهنگ و علم و عمل‌ورزی و غیره همه و همه با ابزارها پیوند و ارتباط و بستگی دارند. در واقع، بدون ابزارها زندگی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ حال پرسش بنیادی و حیاتی مطرح می‌گردد، چرا و به چه علت ابزارها در زندگی انسان مهم و اساسی و نقش آفرین هستند؟

ابزارها، امکان‌ها و راه‌های رسیدن به هدف‌ها و مقصدها و آرمان‌ها می‌باشند، آدمی چگونه به اهداف و آمال خود نایل می‌آید؟ ابزارها و ادوات دست‌یاری‌ها و کمک‌کاری‌های انسان در کوشش برای رسیدن به هدف‌ها هستند، لیکن، ابزارها، فی‌نفسه و به‌خودی خود مطلوب و مقصود نمی‌باشند؛ بلکه ابزار با اثرها مرتبط‌اند، یعنی، ابزارها تولید اثر می‌کنند و با ایجاد اثرها، به بشر یاری می‌رسانند؛ فهم و درک این مطلب مهم است که ابزارها، وسیله‌ها، واسطه‌ها و لوازم می‌باشند، یعنی، ابزار، هدف و غایت انسان نیست، غفلت از این مهم و دقیق گاهی آدمی را به جای رفتن به‌سوی هدف در ابزار و وسیله متوقف می‌کند و ابزار، اهداف پنداشته می‌شود، در نتیجه انسان در سطح و مرتبه ابزار می‌ماند و ابزارزده می‌شود، از حد و سطح "instrumental" وابستگی به ابزار و وسایل و اسباب، به "instrumentalim " یعنی، اصالت ابزار می‌رسد، در چنین حالتی در زندگی، ارزش هر وسیله‌ای یا عاملی بسته به درجه سودمندی عملی آن است و اعتقاد به اینکه عقاید و اهداف وسیله و ابزار انجام عمل است و درجه سودمندی آنها موجه بودن و منطقی بودن آنها را ثابت می‌کند؛ این نگاه به ابزارها و ادوات "the particle" جایگزین کردن و نشاندن وسیله‌ها و ابزارها به‌جای هدف‌ها و غایت‌های متعالی و والای زندگی است، پس چه باید کرد؟ نگرش اثرمند و اصالت دادن به اثرها در زندگی، به تصور صاحب این فکر و قلم، مشکل را حل می‌کند، ابزارها در راستای یاری به اهداف اثر تولید می‌کنند و جای غایت‌ها را نمی‌توانند بگیرند.

ادامه دارد...

خبر

گرامی‌داشت هشتادسالگی اسمعیل دمیرچی

ایسنا | مراسم گرامی‌داشت هشتادسالگی اسمعیل دمیرچی یکشنبه (اول اسفندماه) برگزار می‌شود. به نقل از روابط عمومی خانه کتاب، در هشتمین برنامه از سلسله برنامه‌های «عصر کتاب» از خدمات اسمعیل دمیرچی، نویسنده و پیشکسوت عرصه صنعت چاپ و نشر، در آستانه هشتادسالگی او تقدیر می‌شود. اسمعیل دمیرچی در سال ۱۳۱۲ در تهران زاده شد. از سال ۱۳۳۱ به کار در چاپخانه‌های مختلف، از جمله چاپخانه‌های علمی، تابان، بانک ملی و روزنامه اطلاعات پرداخت. در کنار فعالیت در عرصه چاپ، آموزش و مشاوره در کارگاه‌های چاپ در سطح ایران را راه‌اندازی و تاسیس کرد. کتاب "آشنایی با صنعت چاپ" تالیف اسمعیل دمیرچی، در بیست و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

برنامه عصر کتاب ویژه گرامی‌داشت اسمعیل دمیرچی ساعت ۱۵ در سرای کتاب موسسه خانه کتاب به نشانی خیابان انقلاب، بین خیابان فلسطین جنوبی و خیابان برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، خانه کتاب، طبقه منفی ۲ برگزار خواهد شد.

عندلیبی با «میهن» می‌آید

مهر | «میهن» عنوان تازه‌ترین اثر محمدجلیل عندلیبی نوازنده و آهنگساز ایرانی است که اسفندماه سال جاری به خوانندگی سالار عقیلی در بازار موسیقی منتشر می‌شود. آلبوم «میهن» عنوان تازه‌ترین اثر محمدجلیل عندلیبی نوازنده و آهنگساز شناخته شده موسیقی ایرانی است که اسفندماه سال جاری در بازار موسیقی منتشر می‌شود در این آلبوم، سالار عقیلی در مقام خواننده، محمد جلیل عندلیبی را همراهی می‌کند. محمد جلیل عندلیبی که علاقه‌مندان به موسیقی ایرانی نامش را با آثاری همچون «بنمای رخ»، «آتش در نیستان» و «غریبستان» به خاطر سپرده‌اند، در کارنامه هنری‌اش سابقه همکاری با خوانندگان مطرحی همچون محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، زنده‌یاد رضوی سروستانی، زنده‌یاد ایرج بسطامی و علیرضا افتخاری را دارد.

امیرحسین رضا تک‌نواز تار، زنده‌یاد پارسا احتشامی‌پور تک‌نواز نی، سانوا عندلیبی تک‌نواز عود و سالار عندلیبی تک‌نواز تمبک در این آلبوم در همراهی با ارکستر مولانا به سرپرستی محمدجلیل عندلیبی حضور داشته‌اند. آلبوم «میهن» توسط موسسه فرهنگی «ایران مولانا» تهیه شده و به زودی از سوی موسسه «ایران گام» وارد بازار موسیقی خواهد شد.

۱۵ نویسنده ایتالیایی در راه تهران

ایلنا | رایزن فرهنگی ایتالیا در ایران در نشست ترجمه شفاهی خبر از حضور ۱۵ نویسنده از کشور ایتالیا در ایام برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران داد. به مناسبت حضور ایتالیا به عنوان مهمان ویژه سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نشست ترجمه شفاهی با حضور کارلو چروتی، رایزن فرهنگی ایتالیا در ایران، آنتونیا شرکاء، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، حانیه اینانلو، مترجم و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و بهرام مفتخری کامرانی‌نژاد عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در محل سالن اجتماعات موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران سالن زنده‌یاد (علی عاشوری) برگزار شد. در این نشست کارلو چروتی با اشاره به حضور ایتالیا به عنوان مهمان ویژه سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: «پیشنهاد مهمان ویژه شدن کشور ایتالیا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران مورد استقبال مقامات ایتالیا قرار گرفت و با جدیت آن را دنبال می‌کنند.»

وی در ادامه گفت: «کشور ایتالیا برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران به عنوان مهمان ویژه برنامه‌های متنوعی را در نظر گرفته است که ازجمله آن می‌توان به برگزاری نمایشگاه کتاب و آثار نسخ خطی در کتابخانه ملی ایران اشاره نمود. هم‌چنین برنامه‌های مختلفی در حوزه کتاب و موسیقی درنظر گرفته شده است. با هماهنگی‌های به عمل آمده ۱۵ نویسنده از کشور ایتالیا نیز در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در این رویداد فرهنگی حضور خواهند داشت.» مفتخری‌نژاد عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال نیز درخصوص ترجمه همزمان مقطع و تکنیک‌های این نوع از ترجمه دراین نشست سخنانی را مطرح کرده و به مشکلات و چالش‌های پیش روی مترجمان اشاره کرد.

انتشار سه‌گانه جدید «فیلیپ پولمن»

ایسنا | «فیلیپ پولمن» نویسنده سرشناس انگلیسی پس از چند سال انتظارِ هوادارانش اعلام کرد سه‌گانه تخیلی جدیدش را اواخر سال جاری میلادی منتشر می‌کند. «گاردین» نوشت: «فیلیپ پولمن» نویسنده مجموعه رمان پرفروش «نیروی اهریمنی‌اش» که چند سال است به نگارش اثر جدید خود مشغول است، اعلام کرده سه‌گانه «کتاب غبار» را در اکتبر ۲۰۱۷ وارد بازار کتاب جهانی خواهد کرد. «کتاب غبار» نیز همچون «نیروی اهریمنی‌اش» یک سه‌گانه تخیلی است که داستان اولین جلد آن در لندن و آکسفورد رخ می‌دهد.

اولین جلد سه‌گانه قبلی «پولمن» که «سپیده شمالی» نام داشت، در سال ۱۹۹۵ منتشر شد و فروش بالایی را تجربه کرد. رمان‌های «نیروی اهریمنی‌اش» تاکنون به ۴۰ زبان دنیا ترجمه شده و بیش از ۱۷ میلیون نسخه فروش داشته است. «لایرا بلاکوا» قهرمان مجموعه رمان پیشین «پولمن» در دو جلد اولی «کتاب غبار» نیز ظاهر می‌شود. در این رمان‌ها زندگی «لایرا» در کودکی و ۲۰ سال پس از پایان ماجراهای «نیروی اهریمنی‌اش» روایت می‌شود. این نویسنده درباره اثر جدید خود گفت: «موقع نوشتن این اثر، داستان کم‌کم برایم شفاف و شفاف‌تر می‌شد، اما من همیشه می‌خواستم به آن برگردم و چیزهای بیشتری کشف کنم. محوریت «کتاب غبار» درگیری بین سازمان‌های مستبد است که هرگونه تجسس و پرسش را خفه می‌کنند و آن‌ها که به آزادی فکر و بیان باور دارند.»